

## مشارکت مردمی در انقلاب مشروطه ایران<sup>۱</sup>

نیکی کدی<sup>۲</sup>

ترجمه نصرالله صالحی<sup>۳</sup>

چکیده: نویسنده در مقاله حاضر، که بیش از دو دهه پیش به نگارش درآورده است، می‌کوشد با روشن ساختن جنبه‌های مختلف مشارکت مردمی در تحقق انقلاب مشروطه آن را از جنبشهای غیراصیل که در خاورمیانه روی داده متمایز ساخته و در ردیف یکی از انقلابهای مهم جهان به شمار آورد. وی نخست به تشریح موقعیت خاص ایران در قیاس با کنسورهای نظیر مصر و عثمانی می‌پردازد و از زمینه‌های موجود در ایران برای وقوع یک انقلاب مردمی سخن می‌گوید. سپس به

۱. مشخصات کتابشناختی این مقاله:

Nikki R. Keddie, "Popular Participation in the Persian Revolution of 1905-1911," in Nikki Keddie (ed.), *IRAN: Religion, Politics and Society*, pp. 66-79.

۲. خانم نیکی کدی یکی از ایران‌شناسان آمریکایی است که سالها در دانشگاه UCLA به تدریس تاریخ خاورمیانه اشتغال داشته است. از او مقالات متعدد و کتابی با عنوان *ریشه‌های انقلاب اسلامی* (ترجمه عبدالرحیم گوامی) به فارسی چاپ شده است.

۳. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تهران.

اهمیت و نقش علما در جامعه ایران، بویژه به نقش آنان در مخالفت با نظام سیاسی موجود که منجر به رهبری انقلاب مشروطه از سوی آنان شد، می‌پردازد. همچنین بر مترقی بودن قانون اساسی مشروطه انگشت تأکید می‌نهد و در نهایت با بیان چگونگی وقوع قیامهای مردمی در برخی از شهرهای ایران برای سرنگونی محمدعلی شاه که با کودتا به نظام نوپای مشروطه پایان داده بود، بار دیگر از نقش مردم در بازگرداندن نظام مشروطه و سرنگونی استبداد سخن می‌گوید.

**کلیدواژه:** مشروطه، علما، توده.

نهضت مشروطه ایران ۱۱- ۱۹۰۵ [۳۰-۱۳۲۳ ق.] با وجود آنکه در یکی از عقب‌مانده‌ترین کشورهای خاورمیانه آن روزگار اتفاق افتاد، دارای خصیصه‌ها و ویژگیهای بسیاری است که آن را بیش از آنکه با دیگر انقلابها، کودتاها و قیامهای خاورمیانه در قرن نوزدهم و بیستم شبیه سازد با انقلابهای بزرگ کشورهای غربی مشابه ساخته است. گذشته از انقلاب الجزایر که علیه سلطه‌گران خارجی بود، قیامهای خاورمیانه مطابق معمول توسط بخش نسبتاً کوچکی از ارتش انجام می‌شد. این قیامها حرکتی سریع و مخفیانه برای استقرار یک رژیم جدید نظامی بود. انقلابهای توده‌ای که در این زمان به وقوع پیوست، واقعاً در تاریخ معاصر خاورمیانه ناشناخته ماند، اگرچه جنبش نظامی آتانورک بیشتر از خصیصه توده‌ای برخوردار بود تا دستگیری قدرت از راه نظامی. ما در ایران اوایل قرن بیستم، بیشتر شاهد ویژگیهای عمده یک انقلاب بزرگ کلاسیک هستیم. ویژگیهایی از جمله: بحران سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که توانایی رژیم پیشین را برای تداوم حکومت زایل ساخت؛ آشوب و ناآرامیهای فزاینده علیه حکومت (که شامل جنبش موفقیت‌آمیز توده‌ای علیه امتیاز انگلیسی توتون و تنباکو در سالهای ۹۲- ۱۸۹۱ [۹-۱۳۰۸ ق.] شد؛ بروز تظاهرات توده‌ها با چنان وسعت و دامنه‌ای که حکومت ناچار به تسلیم در برابر خواستههای تظاهرکنندگان شد؛ تکاپوهای ضد انقلابی حکومت که منجر به کودتای موفقیت‌آمیز محمدعلی شاه شد [۱۳۲۶ ق.]؛ شکست حکومت در مقابل حرکت مسلحانه مردمی؛ بروز انشعاب حزبی در انقلاب اساساً یکپارچه مشروطه و تشکیل احزاب رادیکال و محافظه‌کار. مبارزه انقلابی بیشتر از آنکه با یک یا دو بحران فیصله یابد، چند سالی ادامه یافت. چگونه می‌توان بدرستی خصیصه‌های انقلابی نهضت

مشروطه، من جمله مشارکت وسیع توده‌ای، تصویب قانون اساسی نوین لیبرال (نه حفظ امتیازات سلطنتی چنان‌که در قانون اساسی عثمانی سال ۱۸۷۶ [۱۲۸۴ ق.] بود و در سال ۱۹۰۸ [۱۳۲۶ ق.] احیا گردید) و حضور نیروهای واقعاً رادیکال را تبیین نمود؟

عجیب اینکه همین عقب افتادگی ساختار حکومت ایران با این مسأله ارتباط وثیق و محکم دارد. در حالی که زمامداران مصر و ترکیه، از اوایل قرن نوزدهم، به تحکیم و تقویت ساختار اداری و نظامی حکومت‌های خود پرداخته بودند؛ در ایران چنین اتفاقی نیفتاد. منابع تاریخی ایران اغلب به شماری از اصلاحاتی اشاره دارند که در اوایل این قرن [نوزدهم] از سوی عباس میرزا نایب السلطنه، در اواسط قرن از سوی امیرکبیر و در دهه ۱۸۷۰ [۱۲۹۰ ق.] از سوی میرزا حسین خان آغاز گردید؛ اما آنچه حقیقتاً دربارهٔ اصلاحات ایران به ذهن می‌رسد چیزی جز ناچیز بودن اصلاحات و بی‌نتیجه بودن آنها نیست. این امر در زمینه‌های اداری و حقوقی به این معناست که اعمال مستبدانه و دلخواهانه در حد بسیار بالایی ادامه داشت، در عین حال مردم بیشتر و بیشتر متوجه می‌شدند که امکان دارد دولت دارای نظام مناسبتری باشد. این توجه به طور مستقیم و غیر مستقیم از راه تماس و برخورد با غرب و نیز آرمانهای اسلامی از جمله عدالت‌خواهی که مردم به طور مکرر در مواضع شنیده بودند، حاصل شده بود. علی‌الخصوص، عدم تعادل و اختلاف روز افزون میان نظام حکومتی خودکامه موجود و نیازهای تجار و پیشه‌وران شهری به چشم می‌خورد. تجار به طور فزاینده‌ای درگیر تجارت خارجی و داخلی شده بودند و رقابت شدید کالاهای مصنوع خارجی را [با مصنوعات داخلی] احساس می‌کردند. آنان به حکومتی احتیاج داشتند که مدافع منافع تجاری و حرفه‌ای آنان باشد نه آنکه حکامی از سوی حکومت گمارده شوند که در صدد بالا بردن میزان مالیاتها و یا کاستن از ارزش پول به منظور تأمین هزینه‌های بسیار گزاف و مخارج سفرهای مکرر شاه به فرنگ باشند. طبقات بازاری شهری نیز با خوش خدمتی روزافزون حکومت به انگلیس و بویژه به روسیه که اقتصاد و استقلال ایران را تهدید می‌کرد، مخالف بودند. طبقات شهری ایران، برخلاف بسیاری از دیگر قسمتهای خاورمیانه، مرفی‌تر از حکومتشان بودند و سهم بیشتری در ترقی اقتصادی، بهینه‌سازی نظام اداری و ایجاد حکومت ملی داشتند. بویژه اینکه، طبقه تجار مسلمان، که از نظر قوت و تعداد بیش از هر نقطهٔ دیگر در خاورمیانه بودند، رشد پیدا

کرد؛ و تجار خواستار حکومتی با اصول و قواعد بورژوا - لیبرال شدند که در انقلاب اهمیت کلیدی داشته باشد.<sup>۱</sup>

فقدان یک ارتش ملی تا حد بسیار زیادی در امکان وقوع یک انقلاب توده‌ای مؤثر واقع شد. ارتش ایران، صرف‌نظر از نیروهای غیر قابل اعتماد و چپاولگر ایلی تا حد زیادی پوشالی و ناکارآمد بود و به طور عمده مواجب صاحب منصبان خود را از راه اختلاس تأمین می‌کرد. سربازان به طور معمول حقوقی دریافت نمی‌کردند و اوقاتشان را صرف امور زندگی در شهرهایی می‌کردند که در آنجا اقامت داشتند. تنها نیروی جدید منظم عبارت از یک واحد کوچک قزاق روسی در تهران بود. شاهان قاجاری بی‌توجه‌تر از آن بودند که ضرورت تشکیل یک قشون مطمئن و معتبر را درک کنند، و تا حد بسیار زیادی به تأمین منافع کلان زمینداران و رؤسای ایلات فکر می‌کردند، یعنی تأمین منافع کسانی که کشور را ضعیف و نامتمرکز می‌خواستند و برای اینکه اقدامی برای تشکیل یک قشون مسلح جدید صورت نگیرد مایل به پرداخت حقوق و مواجب به قشون نبودند. شاید فقدان یک ارتش مدرن در ایران یکی از عوامل اساسی و متمایز کننده انقلاب ایران از دیگر قیامهای منطقه خاورمیانه باشد. در ایران هیچ اهمیت خاصی برای تلاش جهت رخنه و نفوذ در قوای مسلح موجود به منظور راه‌اندازی یک قیام و شورش وجود نداشت. انجام چنین اقدامی تنها از طریق افراد و گروههای مردمی با اتکا به این اطمینان که قوای مسلح اقدام به تیراندازی و قتل هزاران نفر از مردم نخواهند کرد و نیز با این امید که سربازان حتی از آتش گشودن بر روی توده مردم امتناع خواهند ورزید، کاملاً امکان‌پذیر بود. ظاهراً شاهان معتقد بودند که بریتانیای کبیر از تمامیت ارضی کشور محافظت می‌کند و تمایلی نداشتند تا اصلاحات گاه و بیگاه و ناموفق نظامی را که در تقابل با منافع اعطا شده به این کشور بود، ادامه دهند.

رهبری مذهبی در برانگیختن یک انقلاب توده‌ای دارای نقش بسیار عمده‌ای بود، و البته از این نظر ایران، نه تنها با دیگر نقاط خاورمیانه بلکه با اروپا نیز کاملاً تفاوت داشت. حمایت رهبران مذهبی سنتی از انقلاب و حتی رهبری انقلاب نوگرایانه مشروطه از سوی آنان، امری منحصر به فرد بود. اگرچه رهبری شیعه به طور یکپارچه به انقلاب نیوست - و همچنان که انقلاب، بویژه در تبریز، موضع تندروانه‌تری به خود می‌گرفت، بسیاری از علما به شاه پیوستند - با این حال میزان

مشارکت علما و مجتهدان در انقلاب به اندازه‌ای بود که در انقلاب عامل عمده‌ای محسوب می‌شد. مخالفت علما نسبت به حکومت شاه بر چند نکته مبتنی بود: ۱) طبق نظریه شیعه دوازده امامی، هر حاکم صرفاً دنیوی شایستگی جانشینی امام دوازدهم را ندارد، بلکه خواست و نظر امام غایب بایستی توسط مجتهدان تفسیر و تعبیر گردد. این نظریه از دوران ائمه به بعد چندان مورد اعتنا قرار نگرفت و حتی در دوره صفویان که جو مذهبی بر جامعه حاکم بود، نیز مسکوت ماند؛ اما این نظریه در دوره قاجار به نحوی فزاینده مطرح شد. ۲) استقلال اقتصادی و سیاسی علما به آنان اجازه مخالفت با شاه را می‌داد. آنان وجوهات شرعی را دریافت می‌کردند، بر املاک و مستغلات بسیاری، تملک و نظارت داشتند و دست آخر اینکه حوزه‌های علمیه مهم شیعه در عتبات و دور از نظارت شاه و دولت ایران قرار داشت. ۳) علما پیوندهای سازمانی و خویشاوندی نزدیکی با طبقات شهری و اصناف داشتند و شکایات و نارضایتیهای سیاسی و اقتصادی آنان را منعکس می‌کردند. موقعیت علما از لحاظ سلسله مراتب به طور کلی از دستگاه دولتی مستقل بود و بیشتر به تعداد طلاب و پیروانشان بستگی داشت. از این رو آنها حتی بیشتر تمایل داشتند تا افکار عمومی شهر را انعکاس دهند. علمای رسمی منصوب از سوی دولت بسیار کمتر از علمای مستقل مورد احترام بودند. ۴) علما نگران رشد تعدیات و تجاوزات خارجیان، امکان تصدی امور توسط افراد بی‌ایمان بودند. در نتیجه، علما طبقه‌ای ملی را تشکیل می‌دادند. ۵) شاهان قاجار هیچ اقدام مؤثری برای رفع شکاف روزافزون میان دو رکن عمده طبقه حاکمه - یعنی حکومت و علما - به عمل نیاوردند. یکی از آخرین صدر اعظمهای قبل از مشروطه، یعنی عین الدوله، حتی حمایت از علما و مستمری آنان را نیز قطع کرد و لذا موجب افزایش مخالفت علما [نسبت به دولت] گردید.<sup>۱</sup>

نقش شجاعانه انقلابیون آگاه و بیدار نیز در بسط جنبش توده‌ای حائز اهمیت بسیار بود. آنها حتی پیش از انقلاب نیز نقش قابل توجهی ایفا کرده بودند. مردانی همانند سید جمال‌الدین اسدآبادی که از مشروطه سخن می‌گفت و در تهران انجمن مخفی تأسیس کرد؛ میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی که بعداً در زمره آزاداندیشانی قرار گرفتند که از استانبول جهت روشنگری در ایران تلاش می‌کردند و بعد از ترور ناصرالدین شاه ۱۸۹۶ [۱۳۱۳ ق.] به ایران مسترد و در تبریز اعدام گردیدند؛ میرزا رضا کرمانی که ناصرالدین شاه را به قتل رساند؛ و نویسندگان

بسیاری که آثارشان به صورت مخفیانه از خارج به ایران می‌رسید. در طی دوران انقلاب شمار افراد انقلابی بسیار بود: عده‌ای از آنها افرادی رادیکال در هیأت و ظاهر علمای شیعه بودند که با وعظ و خطابه‌های هفتگی و دیگر سخنرانیهای عمومی خود بسیار تأثیرگذار بودند. در زمرهٔ اینان می‌توان به دو واعظ رادیکال اصفهانی، یعنی سید جمال‌الدین اصفهانی و ملک المتکلمین، اشاره کرد. بعضی، مانند سید حسن تقی‌زاده، نمایندهٔ مجلس بودند. برخی دیگر، نظیر ستارخان و باقرخان در تبریز، از نیروهای مردمی بودند که گروههای انقلابی مسلح را رهبری می‌کردند. عده‌ای دیگر، همچون میرزا جهانگیرخان، نویسنده و سردبیر روزنامه بودند؛ و نیز تعدادی نظیر حیدرخان عمو اوغلی اهل قفقاز از سازماندگان حرکت‌های مخفی رادیکال بودند.<sup>۳</sup> وجه اشتراک این افراد در سخنرانی برای آگاه‌سازی مردم، در زمینهٔ معنای مشروطه، حقوق عامه و استقلال ملی بود.

در نهایت اینکه نباید شجاعت و از خودگذشتگی توده‌های مردمی شرکت‌کننده در انقلاب را نادیده گرفت. بسیاری از مردم زندگی‌شان را در راه اصولی که اطلاع‌چندانی از آن نداشتند، در برابر حکومت ستمگر و رعب‌آور به طور مکرر به خطر انداختند. به نظر می‌رسد تأکیدی که احمد کسروی در اثر عمده خود، در مورد تاریخ مشروطه، درخصوص نقش و شجاعت عامه مردم در انقلاب مشروطه دارد، اصلاً بی‌مورد نیست. اغلب اوقات به نظر می‌رسد که رهبران بیش از پیروانشان به انقلاب خیانت کردند.<sup>۴</sup>

جنبش تنباکو ۱۸۹۱-۹۲ [۱۳۰۷-۹ ق.] نه تنها به دلیل جنبه‌های دیگرش، بلکه به دلیل حرکت توده‌ای که ایجاد کرد، نوعی آمادگی را برای انقلاب مشروطه فراهم ساخت. مواردی از قبیل ضعف و مستی حکومت و خوش‌خدمتی به روس و انگلیس، فقدان ارتش، نقش علما، نقش انقلابیون و عامه مردم، همگی در جنبش تنباکو به وضوح نمود عینی داشت. جنبش تنباکو نخستین حرکت هماهنگ ملی در ایران بود که انسجام آن تا حدی ناشی از استفادهٔ زیاد از تلگراف بود که قرار بود در انقلاب مشروطه استفادهٔ بسیار بیشتری از آن بشود و تا حدی نیز ناشی از روابط متقابل رهبری علما در شهرهای مختلف بود. اعطای امتیاز انحصاری تنباکو به یکی از اتباع انگلیس - که اعطای امتیاز محصولی پررونق پرورش بود - بر زندگی اقتصادی بسیاری از مردم تأثیر

گذاشت و یکی از نشانه‌های فروش همه‌جانبه ایران به خارجیان تلقی شد. چنان که انقلاب مشروطه ۱۱ - ۱۹۰۵ [۳۰ - ۱۳۲۳ ق.] بر زندگی اقتصادی بسیاری از تجار مستقیماً تأثیر گذاشت. نارضایتی از حکومت خود کامه و متملق آن‌قدر گسترش یافت که در بین طبقات شهری به صورت ماده‌ای قابل اشتعال درآمد و تظاهرات توده‌ای در شهرهای بزرگ چنان بالا گرفت که در تبریز و تهران به درگیریهای بزرگ انجامید و در نهایت منجر به لغو کامل امتیاز ژانویه ۱۸۹۲ [۱۳۰۹ ق.] از سوی دولت گردید. این پیروزی بزرگ تداوم نیافت و حکومت توانست رضایت بعضی از علمای مخالف را با حقوق و مستمری و هدایای نقدی جلب کند. هیچ یک از مسائل و مشکلات اصلی حل نشد و حکومت هیچ اقدام احتیاطی برای حمایت از قوای مسلح خود، در مواجهه با بحرانهای مشابه دیگر، به عمل نیاورد.

در سالهای اولیه قرن بیستم بحران افزایش یافت زیرا پادشاه ولخرج، مظفرالدین شاه ۱۹۰۷-۱۸۹۶ [۲۴-۱۳۱۳ ق.]، با اخذ دو وام کلان از روسیه سفرهای پرهزینه‌ای را به فرنگ تدارک دید؛ یک قرارداد بازرگانی به نفع روسیه به امضا رسید و گروهی از بلژیکهای گمنام، به رهبری مسیو نوز، سرپرستی گمرکات را بر عهده گرفتند؛ کمبود مواد غذایی و آشوب و بلوا رو به ازدیاد گذاشت و ورشکستگی حکومت شتاب گرفت. یکی از عوامل شتاب‌دهنده انقلاب، جنگ روسیه و ژاپن بود که اعتماد و اطمینان نسبت به توانایی یک قدرت آسیایی را در شکست دادن یک کشور قدرتمند اروپایی تقویت کرد، و بر این امر صحه گذاشت که ژاپن تنها از آن جهت بر روسیه غلبه کرد که دارای حکومتی مشروطه بود و روسیه فاقد چنین حکومتی بود. انقلاب ۱۹۰۵ روسیه پایه‌های قدرت تزار متفور روسیه را لرزاند و برای مدتی تهدید مداخله روس را برطرف کرد. ایرانیان، در گذشته، از ترس چنین مداخله‌ای علیه حکومت قاجار اقدام نمی‌کردند.

یکی از طرق تبیین مشارکت توده‌ای عمیق و وسیع در انقلاب ایران به هم پیوستگی فوق‌العاده شرایط انقلابی بود که به ندرت، در یک زمان، در کشورهای دیگر غیر خاورمیانه‌ای دیده شده است. به شرایط مذکور باید موارد زیر را نیز افزود: رویگردانی قسمت اعظم طبقات حاکم، البته برخلاف انقلابهای اروپای غربی بیش از طبقه اشراف، طبقه مذهبی رویگردان شد؛ بی‌توجهی کامل حکومت نسبت به نیازهای تجار و صاحبان حرف؛ عدم انجام اصلاحات لازم و ضروری در

نظام مالی ناکارآمد و منسوخ؛ و در عین حال افزایش بسیار زیاد هزینه‌های دولتی که منجر به ورشکستگی عملی دولت گردید؛ عدم توفیق در ایجاد یک نظام اداری مطلوب و کارآمد از جمله نظام حقوقی مبتنی بر منافع طبقه متوسط و یا تشکیل ارتشی نیرومند؛ تأثیر بازرگانی غرب که موجب تضعیف تدریجی صنایع دستی و شروع کشاورزی تجاری شد و نیز منجر به بروز اختلافات جدید طبقاتی گردید؛ قشریندی اجتماعی و افزایش تنشها و کشمکشها؛ رشد انجمنهای مخالف و روشنفکر؛ شتاب بسیار برای گرفتن وامهای جدید؛ وجود صدر اعظم کهنه‌گرا و نامردمی به نام عین‌الدوله؛ وجود پادشاه ضعیف و بیماری که در بند ولخرجیهای خود و درباریانش بود؛ در نهایت جنگ روس و ژاپن و نیز انقلاب روسیه، همگی وقوع انقلاب مشروطه را سرعت بخشید. بدین ترتیب نوعی عدم تعادل فزاینده پدید آمد. این عدم تعادل بین حکومت - که تقریباً قادر نبود پاسخگو به نیازهای جدیدی باشد که از تماس با غرب و استعمار غربی به وجود آمده بود - و دو طبقه مهم یعنی علما و تجار و پیشه‌وران ایجاد شد.

عدم وجود ارتش نیرومند و بویژه رهبری علما، در مجموع، امکان تحقق یک جنبش توده‌ای را فراهم آورد. زیرا علما از قبل، از هواداران و پیروان بسیار زیاد، مصونیت از تعرض، و نقش سنتی برخوردار بودند که به آنان اجازه می‌داد گروههای کلپیری از مردم را در درون و بیرون مساجد گرد هم آورند و از ضرورت ایجاد تغییرات سیاسی مهم برای آنها سخن بگویند. یک نهاد سنتی که تا حد زیادی به تحقق جنبش توده‌ای کمک کرد، بست‌نشینی‌ای بود که موجب می‌شد اشخاصی که به مساجد، زیارتگاهها، سفارتخانه‌های خارجی و مکانهای مشخص دیگری پناه می‌برند، مصون از تعرض و واجب‌الرعايه باشند. اگرچه اعمالی مشابه عمل بست‌نشینی در اروپای غربی در دوران قرون وسطی و در بعضی از دیگر جوامع سنتی وجود داشت، اما این اعمال پیش از دوران جدید از بین رفته بودند و تنها در ایران بود که نهاد مزبور همچنان باقی مانده و در انقلاب نوین آن کشور کارکرد عمده‌ای ایفا می‌کرد.

اگرچه تا سال ۵ - ۱۹۰۶ [۲۳ - ۱۳۲۲ ق.] پیش‌بینی‌هایی از سوی برخی از ایرانیان و خارجی‌ان در خصوص احتمال وقوع انقلاب وجود داشت، و اگرچه تعدادی از انجمنهای مخفی برای ایجاد تغییرات اساسی فعالیت می‌کردند، اما تقریباً هیچ‌کسی احتمال وقوع چنین جنبش توده‌ای را



پیش‌بینی نکرده بود. مجموعه حوادثی که در سال ۵ - ۱۹۰۴ [۲۳ - ۱۳۲۲ ق.] اتفاق افتاد - که مواردی از آن نیز به املاک و داراییهای روسیه مربوط می‌شد - نشان‌دهنده شرایط بسیار حاد جامعه بود. سرانجام آنچه نخستین جرقه انقلاب را در دسامبر ۱۹۰۵ [شوال ۱۳۲۳] روشن کرد، حادثه‌ای عادی و معمولی بود. البته چنین اموری در مورد دیگر انقلابها و قیامها نیز صادق بوده است.

در آن ماه حاکم تهران تلاش می‌کرد تا قیمت شکر را که در اثر جنگ روس و ژاپن بالا رفته بود، پایین آورد. به دستور حاکم تهران [علاءالدوله] تنی چند از تجار از جمله یکی از تجار شکر را که پیرمرد مورد احترامی بود به فلک بستند. تجار و بازرگانان، در واکنش به این عمل، بازار را تعطیل کردند. بسیاری از تجار و علما در مسجد شاه تهران بست نشستند و واعظ رادیکال، سید جمال‌الدین اصفهانی، علیه حکومت سخنرانی کرد. او از سوی امام جمعه [منسوب حکومت] مورد حمله قرار گرفت، این امام جمعه طرفدارانش را وا داشت تا از طریق زور جمعیت را از مسجد بیرون کنند. آن شب و چند روز بعد جمعی از علما و بازاریان تهران را به قصد صحن شاهزاده عبدالعظیم، در جنوب شهر، ترک کردند. عمال حکومت ابتدا تلاش کردند تا به زور مانع از حرکت آنان گردند، اما نتوانستند. شمار جمعیت در صحن به دو هزار نفر رسید و برای پایان دادن به تحصن خود تقاضاهایی را مطرح کردند که در منابع مختلف به نحو متفاوت گزارش شده است. اما، مهمترین تقاضا تأسیس عدالتخانه بود. شاه در نهایت تسلیم خواسته‌های آنان شد و لذا بست‌نشینان که در بین آنها مهمترین مجتهدان تهران نیز حضور داشتند به تحصن خود پایان دادند و به تهران بازگشتند.

این حادثه نشان داد که هم بخش مهمی از علما و بازاریان برای تداوم مبارزه با حکومت آماده‌اند و هم اینکه جنبش انقلابی هنوز به دوران بلوغ و کمال خود نرسیده است. به جهت آنکه نه تعریف دقیقی از معنا و مفهوم عدالتخانه ارائه شده بود و نه اصولاً هیچ تقاضای جدیدی که حکومت را وادار به ایجاد تغییرات بنیادین در اساس و شالوده خود کند مطرح گردیده بود. معهدا مشروطه‌خواهانی بودند که به طور فعال درصدد تحت تأثیر قرار دادن علما و مردم و بویژه بازاریان بودند.

مظفرالدین شاه هیچ اقدامی برای انجام وعده‌های خود نکرد و هنگامی که سخنرانان و وعاظ به حکومت حمله کردند، صدراعظم در صدد برآمد تا دو تن از آنان را از تهران اخراج کند. شاه به طور موفقیت آمیزی سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی را از تهران اخراج کرد، اما جمعیت تلاش کرد تا مانع از انتقال شیخ محمد گردد. علی‌رغم هشدار مأموران دولتی مبنی بر عدم مداخله مردم، طلبه‌ای به نام سید حمید پیش رفت و لذا به ضرب گلوله کشته شد. در درگیری که بین مردم و سربازان اتفاق افتاد شیخ محمد رهایی یافت. جنازه سید حمید در خیابانها تشییع شد و باعث ایجاد درگیریهای بیشتری بین مردم و سربازان شد که تعدادی از مردم از جمله سید دیگری در این درگیریها کشته شدند. جمع زیادی از مردم به مسجد پناه بردند و بعداً به آنان اجازه داده شد تا به شهر مقدس قم بروند و حدود یکصد نفر از مردم به همراه علمای بزرگ به آنجا رفتند. عین‌الدوله دستور داد مغازه‌های شهر باز شود و در پاسخ به این درخواست تعدادی از بازاریان از کاردار سفارت انگلیس پرسیدند آیا می‌توانند به سفارت بریتانیا پناهنده شوند. کاردار سفارت گرانت داف (Grant Duff) پاسخی ظاهراً دلسرده داد، اما بعداً تصمیم خود را نادیده گرفت و مردم ابتدا اندک اندک و سپس همچون سیل وارد محوطه سفارت شدند و در نهایت تعداد آنها به ۱۴۰۰۰ نفر رسید. بست‌نشینان اکنون خواستار عزل عین‌الدوله و برقراری مجلس شورا بودند، شاه مجبور شد به این خواسته‌ها تن دهد. بست‌نشینان سفارت تهران عمدتاً از سوی اصناف و تجار بزرگ سازماندهی و تدارک می‌شدند و در واقع تقاضای تأسیس مجلس شورا ابتدا توسط اینان مطرح شد. با این حال، بین آنها و علما در قم تماس مداوم و مستمری برقرار بود.

مراحل اولیه جنبش مشروطه خواهی نشان می‌دهد که این جنبش ویژگیها و خصایص مشترکی با شماری از انقلابهای بزرگ اروپا دارد. در وهله اول، باید از انتلاف طبقات و عقاید مختلف مردم یاد کرد که علیه حکومت متحد شده بودند. بخش روشنفکرتر و آزاداندیش تری از مردم به افراد ناآگاه‌تر یا محافظه کارتر مخالف، این عقیده را که راه‌حل اساسی مشکلات ایران در استقرار مشروطه و مجلس شورا است تفهیم کردند، و بدین ترتیب در سخنرانیهای خود تقریباً تمام گروههای مخالف را حول این محور متحد کردند. در وهله دوم، باید از پیروزی و موفقیت حساس مرحله نخست انقلاب یاد کرد که تقریباً بدون جنگ و خونریزی بود و فقط حکومت دست به

خونریزی و کشتار زد. سرانجام، شاهد شروع مرحله دیگری از انقلاب هستیم که به طور مداوم و مستمر به جنبشی رادیکال تبدیل شد. آغاز این مرحله از زمانی است که رهبری انقلاب از دست علمای برجسته‌ای که تقاضاهای بسیار معتدلی داشتند به دست کسانی افتاد که نقش بسیار بیشتری در انقلاب داشتند، یعنی افرادی نظیر وعاظ و خطبای مردمی، اعضای انجمنهای مخفی و بازاریان و بویژه تجار.

شایان توجه است که زنان نیز با شرکت در تظاهرات، از همان آغاز در انقلاب شرکت جستند و در نهایت به تأسیس انجمنهای خاص خودشان در برخی شهرها همت گماشتند، و حتی در تهران *روزنامه زنان* را منتشر ساختند. ناظران متعددی این مشارکت را گامی اساسی برای پیشبرد انقلاب در ایران دانستند.<sup>۵</sup>

قانون انتخابات سپتامبر ۱۹۰۶ [رجب ۱۳۲۴] ویژگیهای سنتی و مدرن داشت، هرچند برای ایران آن روز رادیکال به نظر می‌رسید. انتخابات منحصر به شش طبقه می‌شد: طبقه شاهزادگان و قاجاریان، علما و طلاب، اعیان و اشراف، تجار، زمینداران و اصناف. زمینداران باید املاکمی به ارزش ۲۰۰ دلار می‌داشتند و افرادی که در اصناف تجاری بودند بایست مغازه‌ای می‌داشتند که اجاره‌اش حداقل برابر با میزان اجاره متوسط محل باشد. زنان و گروه کثیری از مردم حق شرکت در انتخابات را نداشتند. با وجود این، حضور نمایندگان بیشتری از اصناف تهران در مجلس نشان داد که مجلس اول بسیار کمتر از مجالس بعدی تحت تسلط زمینداران بوده است. در قانون جدید انتخابات که در سال ۱۹۰۹ [۱۳۲۷ ق.] به تصویب رسید نظام انتخاباتی شش طبقه‌ای ملغی گردید و پیش شرط دارایی برای انتخاب شدن به نمایندگی مجلس [از ۱۰۰۰ تومان به ۲۵۰ تومان] کاهش یافت. معیناً قانون اساسی دسامبر ۱۹۰۶ [۱۳۲۴ ق.] و متمم آن مصوب اکتبر ۱۹۰۷ [۱۳۲۵ ق.] که هنوز به منزله قانون اساسی ایران شناخته می‌شد [البته تا سال ۱۹۷۸ / ۱۳۵۷ ش.] اسنادی به مراتب لیبرالتر به حساب می‌آیند. متمم این قانون، بخصوص گویای فشار توده‌ای بر مجلس از ناحیه انجمنها و سایر تشکیلات انقلابی است. قانون اساسی ایران برخلاف قانون اساسی سال ۱۸۷۶ [۱۲۹۳ ق.] عثمانی که مطابق خواسته‌های عبدالحمید مورد تجدید نظر قرار گرفت و نیز برخلاف بعضی دیگر از قوانین اساسی اعطایی رژیمهای سلطنتی، اختیارات و حقوق خاص و ویژه‌ای برای

شاه در نظر نگرفت. برای مثال، تمام جرایم می‌بایستی در حضور هیأت منصفه و مطابق قانون مورد رسیدگی قرار گیرد. البته این اصل نیز مانند بسیاری دیگر از اصول قانون اساسی پیش از آنکه رعایت گردد مورد نقض قرار گرفت. تنها موارد استثنایی که موارد مهمی نیز بودند، عبارت بود از اعمال نظارت و کنترل مداوم شاه بر ارتش، و ابهام عملی در مورد مسئولیت وزرا (هر چند بنا بر خواست و تمایل پیش‌نویسان قانون اساسی، وزرا می‌بایست در مقابل مجلس منتخب مردمی مسئول باشند). شاه وزرا را منصوب می‌کرد، اما آنها می‌بایست در برابر مجلس مسئول باشند. با این حال مجلس بارها نشان داد که توانایی ایفای چنین مسئولیتی را ندارد.

قانون اساسی پیش از مرگ مظفرالدین شاه به امضای او رسید. فرزند بی‌رحم و مرتجع او، محمدعلی شاه، از زمانی که در ژانویه ۱۹۰۷ [۱۳۲۴ ق.] به سلطنت رسید، توطئه‌چینی علیه مجلس و قانون اساسی را آغاز کرد. او در دسامبر ۱۹۰۷ [ذی‌عقده ۱۳۲۵] عده‌ای از افراد اجیر شده و سرسپرندگان دربار را در میدان توپخانه جایی که ملایان مرتجع بر علیه به اصطلاح مجلسیان بایی و کافر سخنرانی می‌کردند، گردهم آورد. انجمنهای انقلابی مردمی که با شروع انقلاب افزایش یافته بودند با نیروی تمام در مقابل این تهدید جدی نسبت به مشروطه به مقابله برخاستند.

دومین اقدام برای کودتا در ژوئن ۱۹۰۸ [جمادی‌الاول ۱۳۲۶] به شکلی کاملاً متفاوت صورت گرفت. برنامه‌ها و مقاصد شاه کاملاً روشن بود. وی به قصد استراحت به خارج از تهران رفت و در واقع به تدارک قوا پرداخت. یکبار دیگر انجمنها که بیشتر اعضای آنها مسلح شده بودند آماده کارزار بودند. اما این بار آنان نه تنها از سوی رهبران محافظه‌کار مجلس، بلکه همچنین از سوی تعدادی از نمایندگان سرشناس و رادیکال، از جمله سید حسن تقی‌زاده، که رهبر بسیار مردمی و هوشمند و سخنور هیأت نمایندگی تبریز در مجلس بود از مبادرت به کارزار بر حذر داشته شدند. تقی‌زاده گفته بود که چند روز قبل نمایندگان روس و انگلیس به طور خصوصی گوشزد کرده بودند که اگر اقدام مسلحانه‌ای علیه شاه صورت گیرد سربازان روس در حمایت از شاه وارد عمل خواهند شد. با این حال، به دشواری می‌توان نظر کم‌سروی و ملک‌زاده را مبنی بر اینکه تقی‌زاده در متفرق کردن نیروهای انقلابی خطا کرده است، پذیرفت. اگر شاه این احتمال را می‌داد که بتواند بدون مقاومت مسلحانه از سوی انقلابیون، کودتای موقتی راه بیندازد، مجلس را

منحل سازد و تعداد زیادی از رهبران مردمی را به قتل رساند، در آن صورت نیروهای روسی مداخله نمی‌کردند.

در تبریز برخلاف تهران به توصیه‌های محتاطانه و ملاحظه‌کارانه توجهی نشد، زیرا بعد از کودتای محمد علی شاه و تسلیم تمام کشور و حتی قسمت زیادی از تبریز، مردی شجاع از میان عامه مردم به نام ستارخان تسلیم نشد. او با همراهی یک گروه کوچک، پرچم سفیدی را که به علامت تسلیم از سوی مردم برافراشته شده بود، پاره کرد؛ و همگام با باقرخان، که از طبقات پایین جامعه برخاسته بود، مقاومت طولانی تبریز را برای درهم شکستن محاصره نیروهای دولتی رهبری کرد. نیروهای ستارخان متشکل از داوطلبان مسلحی بودند که از شروع انقلاب، آموزش نظامی دیده و آمادگی پیدا کرده بودند. داوطلبان مسلح رشت نیز همانند تبریز دست به قیام زدند. در ژوئیه ۱۹۰۹ | ۱۳۲۷ ق. [نیروهای شمال به همراه قوای بختیاری و دیگر نیروهای داوطلب جنوب، محمد علی شاه را به نفع پسر جوانش از اریکه قدرت به زیر کشیدند و بار دیگر نظام مشروطه را مستقر ساختند. انقلاب تا مداخله روسها در پایان ۱۹۱۱ | ۱۳۳۰ ق.] و آغاز ۱۹۱۲ | ۱۳۳۱ ق.] دوران پیروزی خود را سپری می‌کرد.

بدین ترتیب، مشارکت توده مردم را می‌توان عنصری قاطع و تعیین کننده در هر یک از مراحل عمده انقلاب ایران به حساب آورد: از دو بست‌نشینی نخستینی که منجر به اعطای مشروطه شد تا مقابله با کودتا، ایجاد فشار برای تصویب قانون اساسی لیبرالتر، و استقرار مجدد نظام مشروطه. شاید بتوان همانند آبراهامیان نوشت که مشارکت مردمی اساساً به طبقات متوسط شهری محدود می‌شد<sup>۱</sup> و طبقات پایین‌تر به جبهه مرتجعین تمایل نشان می‌دادند، اما نگارنده معتقد نیست که این اظهارنظر کاملاً روشن و گویا باشد. ورود ناگهانی توده‌های مردم به نوع جدیدی از سیاست تأثیر قطعی و مسلّم بر تحولات سیاسی ایران در سالهای ۱۱ - ۱۹۰۵ | ۳۰ - ۱۳۲۳ ق.] داشت و کمک کرد تا نوعی آموزش سیاسی در این کشور فراهم شود.

## پی‌نوشتها

۱- در خصوص تجار بویژه کنید به:

Gad G. Gilbar, "The Big Merchants (*tujjar*) and the Persian Constitutional Revolution Of 1906", *Asian and African Studies*, 11, 3 (1977), 275-303.

(ترجمه فارسی: گاد جی. گیلبارد، *تجار ایران و انقلاب مشروطیت*، ترجمه چنگیز بهلوان، زمینه ایران‌شناسی به کوشش چنگیز بهلوان و وحید نوشیروانی؛ انتشارات فراز، (تهران: ۱۳۶۴ ص ۲۲۲-۲۴۳).

W.M. Floor, "The Merchants (*tujjar*) in Qajar Iran", *ZDMG*, 126, 1 (1976), 101-135.

۲- در خصوص نقش علما در سیاست ایران عصر قاجار نگاه کنید به:

H. Algar, *Religion and State in Iran 1785 - 1906* (Berkeley, 1969); the papers by H. Algar and N. Keddie in N. Keddie, ed. *Scholars, Saints, and Sufis* (Berkeley, 1972); N. Keddie, *Religion and Rebellion in Iran* (London, 1966); A.K.S. Lambton, "The Persian Ulama and Constitutional Reform", *Le Shi'isme imamite* (Paris, 1970).

و منابعی که در این آثار به آنها اشاره شده است. در خصوص تشیع و سیاست، پژوهشگران متعددی از جمله: حمید عنایت، منگول فیلیپ بیات، سعید امیر ارجمند، (Eliash) و مایکل فیشر (M. Ficher) به تحقیق پرداخته‌اند.

۳- راجع به این رجال در زبانهای غربی نگاه کنید به: فصل یکم همین اثر، و آثار بعدی:

N. Keddie, *An Islamic Response to Imperialism* (Berkeley, 1968) and *Sayyid Jamal ad-Din "al-Afghani"* (Berkeley, 1972); S.M.A. Djamatzadch, "Taqizadeh, tel que je l'ai connu." *A Locust's Leg: Studies in Honour of S.H. Taqizadeh*, ed. W.B. Henning and E. Yarshater (London, 1962) and M. Bayat-Philipp, "Mirza-Aqa Khan Kirmani: Nineteenth century Persian Revolutionary Thinker" (unpublished PH. D. Dissertation, UCLA, 1971).

۴- احمد کسروی، *تاریخ مشروطه ایران*، چاپ پنجم، (تهران: ۱۳۴۰).

سید حسن تقی‌زاده در اثر خود تحت عنوان، *تاریخ اوایل انقلاب و مشروطیت ایران* (تهران، ۶۰-۱۹۵۹/۱۳۳۸) به دفاع از خود در برابر اتهامات بیهوده و گزاف کسروی پرداخته است. با این حال اثر مزبور این احساس را که تقی‌زاده بویژه در مقایسه با رهبران مردمی نظیر ستارخان، بیش از حد محتاط و مصلحت‌اندیش بوده زایل نمی‌سازد.

۵- مطالب فوق پیش از شرح و بسط نقش زنان بر پایه منابع متعدد نوشته شده بود. از جمله:

Mangol Bayat-Philipp, "Woman and Revolution in Iran, 1905- 1911", Lois Beck and Nikki keddie, eds., *Women in the Muslim World* (Cambridge, Mass, 1978).

6- Ervand Abrahamian, "The crowd in the Persian Revolution", *Iranian studies*, August, 1969, 128-149:

(از نظر من این مقاله اهمیت زیادی دارد، هر چند به برخی از دیدگاههای آن اشکالاتی وارد است).